

## تأثیر قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بر سرنوشت سیاسی کردهای عراق

زینب احمدوند<sup>۱</sup>  
محسن مؤمنی<sup>۲</sup>  
هیوا عبده عزیز<sup>۳</sup>

### چکیده

با نگاهی به تاریخ یکصد سال گذشته کشور عراق مشخص می‌شود که کردهای عراق در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور در جایگاه مناسبی نبوده‌اند. پس از استقلال عراق و استقرار نظام پادشاهی در این کشور، بعضاً دولت عراق، خواسته‌های کردها را نادیده می‌گرفت. این امر چندین جنبش نظامی را علیه دولت‌های وقت عراق از سوی کردهای این کشور ایجاد کرد؛ مانند جنبش ایلول در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ که به نهضت یازده سپتامبر یا جنبش ایلول معروف شد و مدت ۱۴ سال ادامه یافت. در این دوره، چندین رژیم مختلف در عراق روی کار آمدند و چندین کودتای نظامی رخ داد؛ اما هیچ‌یک از این رژیم‌ها نتوانستند مشکل کردها و خواسته‌های آنها را حل نمایند. جنبش یازده سپتامبر نقاط قوت و ضعف بسیاری را تجربه کرد و در پایان این نهضت، کمک و حمایت‌های دولت وقت ایران به کردهای عراق افزایش چشمگیری پیدا کرد که به نوعی باعث شد دولت عراق وارد قرارداد الجزایر شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی جایگاه کردهای عراق در قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر و تأثیر این قرارداد بر سرنوشت سیاسی آنان انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر میان ایران و عراق با وجه‌المصلحه قرار دادن کردها توسط هر دو طرف در کوتاه‌مدت برای هر دو کشور دستاوردهایی به همراه داشت؛ اما برای کردهای عراق منجر به نابودی جبهه یازده سپتامبر و آواره شدن تعداد زیادی از ساکنان کردستان عراق به ایران و سایر کشورهای همسایه گردید، همچنین منجر به انشعاب احزاب سیاسی کرد در داخل کشور عراق شد. علاوه بر این با کوچ دادن کردها و عرب‌سازی مناطق کردنشین، مشکلات زیادی برای کردها در این منطقه به وجود آمد.

### واژگان کلیدی:

ایران، عراق، الجزایر، قرارداد ۱۹۷۵م. کردهای عراق، سرنوشت سیاسی.

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه، ارومیه- ایران (نویسنده مسئول) z.ahmadvand@urmia.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه، ارومیه- ایران m.momeni@urmia.ac.ir

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه ارومیه، ارومیه- ایران Hewa804abda@gmail.com

## مقدمه

جنوب منطقه کردستان که به شمال کشور عراق اطلاق می‌شود، از جمله نواحی اصلی و پرجمعیت کردنشین در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌رود که طبق توافقنامه سایکس‌پیکو، ۱۹۱۶م. و در پی توافق کشورهای اروپایی یعنی انگلستان و فرانسه برای تقسیم امپراتوری عثمانی و تشکیل کشوری جدید به نام عراق صورت گرفت. در این تقسیم‌بندی، کردستان عراق شامل چهار استان اربیل، کرکوک، سلیمانیه و دهوک بود. انگلیسی‌ها در طول جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م.) عراق را تصرف کردند و کشور جدید تشکیل دادند که شامل استان‌های بغداد و بصره و بعدها استان موصل (که بیشتر کردنشین بود) می‌شد. در تمامی این تقسیم‌بندی‌ها به موقعیت کردها و وضعیت سیاسی و اجتماعی و حقوقی آنان توجهی نشد و به‌نوعی کردها قربانی برخی سیاست‌های منطقه‌ای کشور انگلستان شدند. این مسئله خود زمینه‌ساز قیام‌های متعددی از سوی کردها در مناطق مختلف عراق شد و قیام شیخ محمود برزنجی در سلیمانیه یکی از این قیام‌ها بود.

در ۱۹۳۳م. نیروهای انگلیسی از عراق خارج شدند و عراق به کشوری مستقل تبدیل گردید؛ اما وضعیت کردها بهبود نیافت و به‌عنوان گروه اقلیت در محدودیت بودند که این امر باعث نارضایتی کردهای عراق بود. طی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۳م. شیخ احمد بارزانی، برادر شیخ عبدالسلام بارزانی علیه دولت عراق قیام کرد و در نهایت، دولت وقت عراق به کمک نیروی هوایی انگلیس توانست دوباره کردها را سرکوب کند.

در ۱۹۵۸م. عبدالکریم قاسم علیه دولت وقت عراق (نوری سعید) کودتای نظامی کرد. با تشکیل دولت عبدالکریم قاسم در ۱۹۵۸م. قانون اساسی موقتی تدوین گردید. در این قانون جدید، حقوق کردها و عرب‌ها برابر و حزب دمکرات کردستان عراق به رسمیت شناخته شد و اجازه فعالیت پیدا کرد. همچنین ملا مصطفی بارزانی که به شوروی پناهنده شده بود، اجازه برگشتن به عراق یافت. در ۱۹۶۱م. دوباره میان کردها و دولت مرکزی عراق اختلاف افتاد و کردها جنبش ایلول را به رهبری ملا مصطفی بارزانی برپا کردند. این جنبش تا ۱۹۷۵م. یعنی زمان بسته شدن قرارداد الجزایر میان ایران و عراق ادامه داشت. مقاله حاضر، مطالعه مروری و کتابخانه‌ای است و بر اساس بررسی اسناد و منابع تاریخی و مقالات پژوهشی به‌شیوه توصیفی-تحلیلی تدوین گردیده است. این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است: قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر چه تأثیری بر سرنوشت سیاسی کردهای عراق داشته است؟ کردهای عراق چه جایگاهی در قرارداد الجزایر داشته‌اند؟

### پیشینه پژوهش

در باره قرارداد الجزایر و کردها برخی پژوهش‌ها وجود دارند؛ از جمله می‌توان به کتاب *کردها و قدرت‌های منطقه‌ای* از علیرضا شیخ‌عطار (۱۳۸۲) اشاره کرد. در این کتاب، نویسنده به نقش برخی کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلستان در تغییر سرنوشت سیاسی کردها در کشورهایی مانند ایران پرداخته است. مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی ابعاد و دامنه مهاجرت کردهای عراق به ایران در دهه ۱۳۵۰ شمسی» از مدرس سعیدی (۱۳۹۴) به بررسی فروپاشی جنبش کردهای عراق بعد از قرارداد الجزایر و آوارگی آنها به ایران می‌پردازد. در هیچیک از این پژوهش‌ها به تأثیر قرارداد الجزایر بر سرنوشت کردهای عراق به‌طور اخص بر اساس منابع کردی و عربی پرداخته نشده است. از این حیث باید گفت که با توجه به بررسی‌ها، تاکنون پژوهش جامع، مستقل و تخصصی در این حوزه صورت نگرفته است.

### زمینه‌های تاریخی روابط دو کشور ایران و عراق تا قرارداد الجزایر

ریشه اختلاف تاریخی ایران و عراق به چهارصد سال پیش برمی‌گردد (خالد العزی، ۱۹۸۰: ۱۷) و عراق و ایران درگیری‌های خود را از دولت‌های قبلی به ارث برده بودند (سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۴). اولین معاهده رسمی امپراتوری عثمانی و دولت صفوی در ۱۵۵۵م. با نام قرارداد آماسیه را سلطان سلیمان عثمانی و شاه طهماسب صفوی منعقد کردند که در آن مرزهای جغرافیایی مشخص شدند. پس از این واقعه، تا قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر در مدت ۴۲۰ سال، بیست قرارداد و معاهده حل‌وفصل مرزی میان ایران و همسایه غربی آن یعنی عثمانی و پس از آن عراق کنونی به امضاء رسید (سالح ه‌رکی، ۲۰۰۸: ۱۲).

با پایان یافتن جنگ جهانی اول، طبق معاهده سور در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م. امپراتوری عثمانی منحل گردید و کشورهای جدیدی به‌وجود آمدند که کشور عراق یکی از این کشورهای تازه‌تأسیس بود. کشور عراق در قسمت شرقی خود هم‌مرز کشور ایران گردید. دولت عراق وارث اختلافات مرزی گذشته امپراتوری عثمانی با کشور ایران شد. مناقشه ایران و عراق بر سر آبراه شط‌العرب و تسلط بر خلیج فارس ادامه داشت و بعضاً درگیری نظامی میان آنها رخ می‌داد (ترب، ۲۰۱۳: ۱۰۹).

پس از تأسیس کشور عراق توسط بریتانیا، انگلیسی‌ها تلاش کردند عراق را به عضویت سازمان ملل متحد درآورند؛ اما دولت ایران به‌دلیل اختلافات گذشته بین امپراتوری عثمانی و ایران بر سر شط‌العرب، از به‌رسمیت شناختن کشور تازه‌تأسیس عراق خودداری کرد. ایران

قصد داشت از تماس و به رسمیت شناختن دولت عراق تا زمان احقاق حقوق خود در ارون درود خودداری کند. با این حال، دولت انگلستان به ایران قول داد که هر دو طرف به توافق برسند و ایران نیز پذیرفت که دولت عراق را به رسمیت بشناسد (سجادپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۸). در ۲۵ آوریل ۱۹۲۹م. یک هیئت عراقی از ایران دیدن کرد و ایران دولت جدید عراق را به رسمیت شناخت، این امر زمینه را برای سفر فیصل اول به ایران در آوریل ۱۹۳۲م. فراهم کرد و در آنجا در مورد برخی مسائل به توافق رسیدند (خالد العزی، ۱۹۸۰: ۴۱-۴۰) و همکاری فی‌مابین دو کشور افزایش یافت (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۹-۲۸). ولیکن آنچه همچنان مورد اختلاف باقی مانده بود، تعیین حدود مرزهای دو دولت بود (فاضل رسول، ۱۹۹۱: ۲۱). انگلستان نیز به وعده‌های خود در مقابل ایران عمل نکرد و روابط دو کشور ایران و عراق رو به تیرگی گذاشت و برخوردهایی حتی در مرزها بین نیروهای دو کشور صورت گرفت. دولت عراق در ۴ دسامبر ۱۹۳۴م. به جامعه ملل شکایت کرد. این شکایت در راستای بند دو ماده یازده میثاق جامعه ملل بود (League of Nations, 1935: 196). دولت ایران نیز در ۸ ژانویه ۱۹۳۶م. طی لایحه‌ای مستدل آمادگی خود را برای رسیدگی به جامعه ملل اعلام کرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱: ۳۰) و دولت ایران بر اصل اساسی حاکمیت مساوی هر دو کشور بر شط‌العرب تأکید داشت (سجادپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۱-۸).

بر اساس میانجی‌گری و توصیه جامعه ملل، وزیر امور خارجه عراق، نوری سعید در ۵ اوت ۱۹۳۵م. به تهران آمد و در حضور شاه ایران پذیرفت که خط میانه (تالوگ) فقط در محدوده آبادان خط مرزی شناخته شود (Iran's Ministry, 1965: 20). با وجود این، روند مذاکرات دو کشور طولانی شد، تا اینکه دولت عراق در ۲۷ اکتبر ۱۹۳۶م. و دولت ایران در ۴ مه ۱۹۳۶م. هر یک جداگانه از شورای جامعه ملل درخواست کردند که چون مذاکرات بین دو کشور ادامه دارد، موضوع شکایت عراق از دستور اجلاس بعدی شورا حذف شود. سرانجام در ۲۸ اکتبر ۱۹۳۶م. دولت وقت عراق به‌طور رسمی موافقت نمود که برابر چهار مایل در مقابل آبادان، خط مرزی دو کشور در شط‌العرب بر اساس خط میانه تعیین گردد (Ismail, 1982: 16). در ۴ ژوئیه ۱۹۳۷م. مذاکرات دو کشور به نتیجه رسید و دولت عراق رسماً شکایت خود علیه ایران را از جامعه ملل پس گرفت و عهدنامه سرحدی بین دو کشور در شش ماده و یک پروتکل ضمیمه در ۴ ژوئیه ۱۹۳۷م. به امضای وزیران خارجه هر دو دولت

رسید که به قرارداد ۱۹۳۷م. مشهور شد (پارسادوست، ۱۳۶۷: ۱۵۹؛ هاتف، ۱۳۷۱: ۸۹؛ سجادیپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۱).

در این قرارداد، تعیین مرز دو کشور طبق اصول قراردادهای قبلی میان امپراتوری عثمانی و دولت‌های وقت ایران در گذشته پذیرفته شد. همچنین بر اساس این قرارداد، پروتکل تحدید حدود ایران و ترکیه در ۴ نوامبر ۱۹۱۳م. و کمیسیون تحدیدالحدود ۱۹۱۴م. تأیید گردید و مورد توافق دو کشور قرار گرفت (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱: ۷۴) در نتیجه این قرارداد، ساحل ایرانی اروندرود (به‌استثنای مقابل آبادان) مرز دو کشور قرار گرفت و تمام حقوق حقه ایران در این رودخانه نادیده گرفته شد (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۲۰). این عهدنامه پس از تصویب در پارلمان هر دو کشور در ۲۰ ژوئن ۱۹۳۸م. در بغداد بین وزیر امور خارجه عراق و سفیر ایران مبادله گردید (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۲۰).

بعد از کودتای ۱۹۵۸م. در عراق و سقوط ملک فیصل دوم و دولت هاشمی‌ها در این کشور، دولت جدید عراق با نادیده گرفتن عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷م. مشکلات فراوانی برای ایران در اروندرود به وجود آورد و برخلاف ماده پنج عهدنامه ۱۹۳۷م. دولت عراق، اداره کامل اروندرود را به‌صورت یک‌جانبه در دست گرفت و مانع از عبور کشتی‌های ایرانی از این مسیر گردید و از انجام امور بندرداری ایران در آبادان ممانعت نمود. این اقدامات و کارشکنی‌های عراقی‌ها تا جایی پیش رفت که موجب تعطیلی موقت پالایشگاه نفت آبادان و تحمیل میلیون‌ها دلار خسارت به ایران شد. در واقع، این اقدامات دولت عراق به‌معنای نقض عهدنامه ۱۹۳۷م. بود که با واکنش ایران همراه گردید. وزیر خارجه وقت ایران در واکنش به این اقدامات عراق اظهار نمود که طبق مقررات حقوق بین‌الملل، در رودخانه‌های مرزی مشترک دو کشور خط میانه مبنا است و دولت ایران هیچ معیار دیگری را غیر از آن در مورد شط‌العرب نمی‌پذیرد. سخنگوی وزارت خارجه عراق نیز ایران را متهم به تجاوز به خاک عراق نمود و ادعا کرد که به موجب عهدنامه ۱۹۳۷م. عراق حق مساوی کشتیرانی در چهار مایلی مقابل بندر آبادان را به ایران داده است. در ادامه، سلسله یادداشت‌هایی بین دو کشور صورت گرفت؛ اما توافقی بر سر این مسئله به وجود نیامد، مناقشه دو کشور تداوم یافت و دولت عراق همچنان بر مواضع خود پافشاری می‌کرد. در همین زمان، محمدرضا شاه در مصاحبه‌ای تلویزیونی اعلام کرد که رودخانه شط‌العرب در مرز مشترک دو کشور نباید تنها توسط یک کشور استفاده شود. عبدالکریم قاسم، نخست‌وزیر عراق نیز اظهار داشت که قرارداد ۱۹۳۷م. بر عراق تحمیل شده است و با زور این کشور را وادار کرده‌اند که پنج کیلومتر از شط‌العرب

را به ایران بدهد و تأکید کرد که آن را به خاک عراق برمی‌گرداند (هاتف، ۱۳۷۱: ۱۰۳؛ سجادیپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲) موضع‌گیری قاسم، خشم دولت ایران را برافروخت و این دولت را متوجه کرد که عراقی‌ها به قوانین بین‌المللی وقعی نمی‌گذارند. روابط دو کشور ایران و عراق طی این سال‌ها تا زمان سقوط عبدالکریم در ۱۹۶۳ م. تیره بود. با سقوط حکومت عبدالکریم قاسم تا حدودی در روابط دو کشور بهبودی حاصل شد و به دنبال آن، هیئت‌هایی از دو کشور برای مذاکره و حل‌وفصل اختلافات فی‌مابین مبادله شدند و توافقاتی بر سر مسائلی از جمله اختلافات مرزی و نحوه استفاده از آب رودخانه‌های مرزی و سایر مسائل مرتبط صورت گرفت و کمیسیون‌هایی در این خصوص تشکیل و توافقاتی حاصل شد. در نهایت، طی سفر عباس آرام وزیر خارجه وقت ایران به عراق و دیدار با عدنان پاچگی وزیر خارجه عراق توافق نمودند که مذاکراتی در باره آب‌های مرزی بر اساس حقوق بین‌الملل انجام گیرد. در سفر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر عراق به ایران بر این موارد تأکید شد؛ اما عراق برخلاف خواست دولت ایران هیچ اقدامی در جهت اجرای عهدنامه ۱۹۳۷ م. انجام نداد و عملاً آن را نادیده می‌گرفت تا اینکه در پی بی‌ثباتی‌های سیاسی در عراق و کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ م. در این کشور و به قدرت رسیدن حزب بعث در دسامبر ۱۹۶۸ م. ژنرال هردان تکریتی معاون وقت رئیس‌جمهور عراق به ایران سفر نمود و اعلام آمادگی دولت عراق برای مذاکره بر سر مسائل معوق مانده میان دو کشور و شط‌العرب طبق اصول بین‌الملل را اعلام داشت و تقاضا کرد دنباله مذاکرات در بغداد انجام شود (هاتف، ۱۳۷۱: ۱۰۳؛ سجادیپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲).

در ۲۷ ژانویه ۱۹۶۹ م. خلعتبری معاون سیاسی وزارت خارجه ایران به بغداد سفر کرد و با مقامات عراقی مذاکراتی صورت گرفت که حاصل آن به‌رغم وعده‌های هردان تکریتی نتیجه‌ای نداشت و عراقی‌ها همچنان بر مواضع قبلی خویش پافشاری می‌کردند و حقوق ایران بر شط‌العرب را نادیده می‌گرفتند. خلعتبری قبل از ترک بغداد در نامه‌ای به رئیس هیئت مذاکره‌کننده عراقی نوشت و اظهارات نمایندگان عراق را تکرار مواضع گذشته ذکر کرد و اضافه نمود: «قرارداد ۱۹۳۷ م. به انحاء مختلف و از جمله عدم اجراء توسط دولت عراق لغو شده است و این قرارداد مخالف رسوم و اصول بین‌المللی است و بنابراین دولت ایران، این قرارداد را بی‌اعتبار، باطل و بی‌مورد می‌داند» (سجادیپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴).

دولت عراق نیز ادعا کرد که حق انحصاری و حاکمیت کامل را بر شط‌العرب دارد و تهدید کرد کشتی‌هایی که به طرف ایران می‌روند و پرچم ایران را دارند، متوقف می‌کند و اگر ایران

تمکین نکند، به زور متوسل خواهد شد؛ این موضوع با استنکاف ایران در برابر خواست عراق دنبال گردید. اختلافات دو کشور در سازمان ملل طرح شد و اردشیر زاهدی وزیر خارجه وقت ایران در ۲ اکتبر ۱۹۶۹م. در بیست و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که عراق قرارداد ۱۹۳۷م. را هرگز اجراء نکرده است، لذا این قرارداد باطل و بی اعتبار است (سجادپور و امیری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴). نماینده عراق نیز ضمن بیان حق حاکمیت مطلق عراق بر شط العرب اعلام داشت که ایران حق لغو قرارداد را ندارد و پیشنهاد کرد دو طرف به دادگاه بین المللی دادگستری مراجعه کنند. از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵م. در روابط ایران و عراق اختلافات و تحولاتی به وقوع پیوست که منجر به انعقاد قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر گردید.

در ۱۹۷۱م. دولت عراق به بهانه حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد و طی سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۳م. در مرزهای دو کشور برخوردهایی بین نیروهای آنها رخ داد. دولت عراق در فوریه ۱۹۷۴م. به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد و ادعا نمود که ایران پنج کیلومتر از خاک کشور عراق را تصرف کرده و نیروی های زیادی در مرزهای خود با این کشور متمرکز نموده است (سند شماره ۱۱۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل).

شورای امنیت، قطعنامه شماره ۳۴۸ را صادر کرد و در آن خواستار آتش بس بین دو کشور، عقب نشینی نیروهای طرفین و از سرگیری مذاکرات دوجانبه و حل و فصل اختلافات بین دو کشور شد. طی اجرای این قطعنامه، هیئت نمایندگی های دو کشور در اوت ۱۹۷۴م. در استانبول وارد مذاکره شدند؛ ولیکن از این مذاکرات نیز نتیجه ای حاصل نشد. به دنبال آن، مذاکرات دیگری بین دو کشور تا ۶ مارس ۱۹۷۵م. صورت گرفت که به صدور اعلامیه مشترک از سوی شاه ایران و صدام حسین انجامید و حاصل آن بسته شدن قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بود (پارسادوست، ۱۳۶۷: ۱۹۵؛ سجادپور و امیری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹).

### کردها و زمینه های انعقاد قرارداد الجزایر

دولت ایران بعد از کودتای عبدالکریم قاسم به کردهای عراق در برابر دولت تازه تأسیس عراق که طرفدار شوروی بود، کمک کرد (ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۰)؛ چون عراق به تدریج به بلوک سوسیالیست شوروی نزدیک می شد، این نگرانی برای دولت ایران و دلیلی برای نزدیک شدن این کشور به کردهای عراق بود (سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۳).

همانگونه که پیش تر گفته شد، در این دوران، درگیری بین عراق و ایران در حال افزایش بود و حالت جنگ سرد بر روابط دو کشور حاکم بود. دولت وقت ایران از انتقال انقلاب عراق به ایران می ترسید، حتی دولت ایران در اقدامی برای کشته شدن ملک فیصل دوم و همکارانش مراسمی برگزار کرد. هم‌زمان، عبدالکریم قاسم نیز به کمونیست‌های عراق بیشتر نزدیک شد و در چهارچوب دولت تازه تأسیس عراق وعده‌های متعددی به کردها داد و اصلاحات کشاورزی را آغاز کرد. این مسائل ایران را بیشتر نگران می نمود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۳۳-۳۲). در طول جنبش ایلول از ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ تا مارس ۱۹۷۵م. کردها به یک نقطه اثرگذار در روابط عراق و ایران تبدیل شدند و ایران همواره رهبران کردها را تشویق می‌کرد تا به مبارزه علیه دولت‌های متوالی عراق ادامه دهند (ئیبراهیم ج‌ه‌لال، ۱۹۹۹: ۱۷۰).

روابط عراق و ایران در دوران حکومت عبدالکریم قاسم و عبدالسلام عارف تیره تر گردید و کردها همواره از سوی ایران علیه دولت عراق حمایت می‌شدند، به طوری که پس از کودتای فوریه ۱۹۶۳م. شاه ایران از کردها علیه دولت عراق حمایت فزاینده‌ای کرد. به دلیل حمایت مادی و معنوی دولت ایران از کردها، عدنان پاچچی وزیر امور خارجه عراق نگرانی خود را به کشورهای انگلیس، فرانسه و آمریکا اعلام کرد و ایران را به دخالت در امور داخلی عراق متهم نمود. وی همچنین سفیر ایران در عراق را احضار و ایران را از دخالت در امور داخلی عراق و تشویق و کمک به کردها در برابر دولت عراق بر حذر داشت (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۴۲-۳۹).

عبدالرحمن عارف قبل از کودتای ۱۷ جولای ۱۹۶۸م. به منظور عادی‌سازی روابط دو کشور به ایران سفر کرد؛ اما به دلیل کودتای ۱۷ جولای ۱۹۶۸م. بعثی‌ها در عراق، این دیدار نتیجه‌ای در بر نداشت (ئیبراهیم ج‌ه‌لال، ۱۹۹۹: ۲۳۶). در دوره اول حاکمیت رژیم بعث، پس از کودتا علیه قاسم به دلیل مخالفت بعثی‌ها با کمونیست‌ها، روابط دو کشور ایران و عراق تا حدودی آرام شد؛ اما بلافاصله پس از آن، عبدالسلام عارف دست به کودتا زد. ایران نگران نزدیکی مصر و عراق بود؛ بنابر این سعی کرد به کردها نزدیک تر شود (سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۳). در دوران دوم رژیم بعث و بالا گرفتن اختلافات دولت ایران با بعثی‌ها، ایران برای تضعیف و نابودی دولت بعث عراق تلاش می‌کرد و غیر از کردها از ابزارهای دیگری نیز استفاده می‌نمود؛ از جمله حمایت از کودتای نظامی ۱۹۶۹م. علیه عبدالغنی راوی و عبدالرزاق نایف که امید زیادی به آن داشتند؛ اما در دهه ۱۹۷۰م. این تلاش آشکار و ناموفق بود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۴۵). همانگونه که بیان گردید، تنش میان ایران و عراق به مرز درگیری نظامی رسیده بود و دولت ایران معاهده ۱۹ آوریل ۱۹۳۷م. را یک‌جانبه باطل کرد



(پاول شیسمن، ۲۰۱۴: ۴۵۹). عراق از به رسمیت شناختن خط میانه به‌عنوان مرز آبی ایران و عراق خودداری می‌کرد؛ بنابر این، در ۱۹۶۹م. اعلام کرد که عراق مالک شط‌العرب است (منعم‌صاحی‌العمار، ۲۰۰۸: ۱۷-۱۶). ایران و عراق بر سر شکاف ناشی از خروج انگلیس از خلیج فارس با هم درگیر بودند و ایران می‌خواست مالکیت خلیج فارس را به دست آورد، پس از خروج انگلیس از خلیج فارس، ایالات متحده از ایران خواست تا امنیت خلیج فارس را تأمین کند و آن را تحت تسلط خود قرار دهد (ن‌هوشیروان مست‌ه‌فا ئ‌همین، ۱۹۹۷: ۱۰۸). طبق معاهدات قبلی، کشتی‌های ایرانی باید برای تردد در شط‌العرب، پرچم عراق را برافراشته می‌کردند. در این زمان، وضعیت ایران ایجاب می‌نمود که از این معاهده خارج شود. ایران خواهان حقوق بیشتری در خلیج فارس بود و عراق را مجبور کرد که به کردها نرمش نشان دهد. اتحاد جماهیر شوروی هم مشوق این سیاست بود که زمینه توافقی بین کردها و دولت عراق برای تقویت موقعیت خود در خاورمیانه ایجاد نماید. در نهایت، کردها و دولت عراق قرارداد ۱۱ مارس ۱۹۷۰م. را امضاء کردند. شاه ایران از امضای این قرارداد بسیار نگران بود و نامه‌ها و هیئت‌های متعددی را برای خروج از این قرارداد نزد رهبران کردها فرستاد تا آنها را راضی به خروج از این توافق نماید؛ اما نتیجه‌ای نداشت و بارزانی بر توافق با دولت وقت عراق اصرار داشت. پس از توافق ۱۱ مارس، ایران شروع به گسترش نفوذ خود در منطقه خلیج فارس کرد (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۵۳-۴۶). در پاسخ به این اقدامات ایران، دولت عراق نیز هزاران کرد شیعه موسوم به کردهای فیلی را از عراق اخراج نمود و اموال آنها را به بهانه اینکه ایرانی‌الاصل بودند، مصادره کرد (ن‌هوشیروان مست‌ه‌فا ئ‌همین، ۱۹۹۷: ۱۰۷). در واقع، کردها در منازعات سیاسی دو دولت وجه‌المصالحه بودند و هیچ‌یک در استفاده از کردها غافل نبودند. به‌همین منظور بود که دولت عراق قرارداد ۱۱ مارس ۱۹۷۰م. را با کردها امضاء کرد تا موقعیت خود را در برابر ایران تقویت کند (سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۴). در ۱۹۷۲م. دولت عراق با اتحاد جماهیر شوروی قرارداد همکاری امضاء کرد که باعث نگرانی بیشتر ایران و آمریکا در مسائل مربوط به عراق شد (ماکداوئل، ۲۰۰۵: ۵۴۴). شوروی یک معاهده ۱۵ ساله با عراق امضاء کرد که از بین کشورهای عربی فقط مصر تا آن زمان، چنین معاهده‌ای با اتحاد جماهیر شوروی بسته بود و در کل دنیا، تنها کشور هند با اتحاد جماهیر شوروی معاهده ۲۰ ساله مشابه داشت. منافع اقتصادی شوروی در عراق توسعه چشمگیری یافت و تقریباً تمام تجهیزات نظامی عراق از اتحاد جماهیر شوروی وارد می‌شد و شوروی‌ها دستی قوی در صنعت نفت عراق داشتند (ن‌هوشیروان مست‌ه‌فا ئ‌همین، ۱۹۹۷: ۱۰۷).

۱۰۸). کمتر از یک ماه پس از اتحاد عراق و شوروی، نیکسون رئیس‌جمهور ایالات متحده و کیسینجر مشاور امنیت ملی ایالات متحده از ایران بازدید کردند تا مانع قدرت‌گیری بیشتر شوروی در عراق شوند. در می ۱۹۷۲م، ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت که از ایران در برابر شوروی حمایت کند (ماکداول، ۲۰۰۵: ۵۴۳).

مداخله آمریکا در حمایت از بارزانی باعث شد تا او دوباره روابط خود را با ایران تقویت کند و از قرارداد ۱۱ مارس ۱۹۷۰م. خارج شود؛ به‌خصوص پس از توافق دولت عراق و اتحاد جماهیر شوروی که بارزانی معتقد بود علیه کردها است و در واقع دولت عراق برای حمله مجدد به کردها خود را تقویت می‌کرد. در این دوران به مدت ۴ سال جنگ و صلحی بین کردها و دولت عراق رخ نداد. کمک‌های ایران به کردها از ۱۹۷۲م. افزایش چشمگیری پیدا کرده بود، در حالی که اتحاد جماهیر شوروی کمک‌های درخور توجهی به دولت عراق می‌کرد. در جریان شروع جنگ بین کردها و دولت عراق در ۱۹۷۴م. کمک‌های ایران به کردها افزایش یافته بود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۰۲-۸۶). در نوامبر ۱۹۷۴، کمک‌های ایران به حدی رسید که از سلاح‌های سنگین علیه دولت عراق استفاده کرد و غیرمستقیم بر جنگ نظارت داشت (ئیبراهیم‌ج‌ه‌لال، ۱۹۹۹: ۳۷۴).

در شش ماه دوم همان سال مناقشه کردها و دولت عراق، ایران کمک‌های خود به کردها را افزایش داده بود؛ اما سعی می‌کرد از طریق دیپلماتیک با دولت عراق به توافق برسد (صالح‌الخرسان، ۲۰۰۱: ۲۱۰).

ایران کمک‌های خود به کردها را افزایش داد تا دولت عراق را بیش از پیش به‌سمت دستیابی به خواسته‌های خود از طریق مذاکره آسان متمایل نماید (حامید‌گ‌هوه‌ری، ۲۰۱۷: ۶۰۵). ایران در جریان شروع جنگ ۱۹۷۴م. بین کردها و دولت عراق کمک بیشتری به کردها رساند و معلوم شد که بیشتر مایحتاج کردها را ایران تأمین می‌کرد و این کمک‌ها را به‌گونه‌ای ارسال می‌گردید که برای مدت بسیار کوتاه، اما به‌صورت مستمر کافی بود (سعیدی، ۱۳۹۴: ۴۰).

در اوایل ۱۹۷۴م. دولت عراق تلاش‌های دیپلماتیک را برای نزدیک شدن به ایران آغاز کرد؛ اما ایران به رویکرد عراق مشکوک بود و اقدامات لازم را برای توافق با عراق انجام نداد. این در حالی بود که دفتر حفاظت از منافع آمریکا در بغداد بارها از وزارت امور خارجه خواسته بود که از عادی‌سازی روابط عراق و ایران استقبال کند و شاه ایران را برای حل اختلافاتش با عراق و قطع کمک به جنبش کردها تحت فشار قرار دهد (ره‌حمانی، ۲۰۱۳:

۳۹). در نهایت، مذاکرات مستقیم بین عراق و ایران در اوت ۱۹۷۴م. با میانجیگری سازمان ملل، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد. هیئت عراقی به رهبری سعدون حمدی وزیر امور خارجه عراق و عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه ایران، همچنان از قطعنامه ۳۴۸ شورای امنیت سازمان ملل تبعیت کردند (صالح‌الخرسان، ۲۰۰۱: ۲۲۳). شاه ایران تا ۱۹۷۵م. به حمایت از کردها ادامه داد و مایل به توافق با عراق نبود؛ اما در اواخر فوریه همان سال، دولت ایران متقاعد شد که صدام حسین آماده است با ایران در مورد خلیج فارس به توافق برسد و نفوذ شوروی را در عراق کاهش دهد (ره‌حمانی، ۲۰۱۳: ۳۹).

در اوایل ۱۹۷۵م. شایعاتی مبنی بر ملاقات محرمانه بین رهبران دو کشور به گوش می‌رسید (س‌ه‌ل‌اح رشید، ۲۰۲۲: ۱۳۱). در زمستان ۱۹۷۵م. وزیران خارجه ایران و عراق در ژنو با یکدیگر دیدار کردند (ن‌ه‌وزاد ع‌ه‌بدول‌ه‌ئ‌توتی، ۲۰۰۹: ۷۱) و در ۱۲ تا ۱۸ اوت ۱۹۷۴م. دو طرف در استانبول ملاقات‌هایی انجام دادند و تصمیم گرفتند که جلسات را ادامه دهند و در نتیجه، وزیران خارجه هر دو کشور بار دیگر در نیویورک با هم دیدار کردند (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۰۶).

بارزانی با دریافت خبر دیدار وزیران خارجه ایران و عراق، نگرانی‌های خود را در نامه‌ای به کیسینجر اعلام نمود. کیسینجر نیز طی نامه‌ای بارزانی را راضی کرد که نگرانی وجود ندارد، این در حالی بود که شاه ایران همچنان به بارزانی سلاح‌های سنگین می‌داد (پاول شیس‌م‌ه‌ن، ۲۰۱۴: ۵۵۲).

در زمان جنگ کردها و دولت عراق، شاه ایران از مسکو دیدن کرد و یکی از موضوعات گفت‌وگوی شاه با شوروی حل مشکلات عراق و ایران بود (ن‌ه‌وشیروان مست‌ه‌فا‌ئ‌ه‌مین، ۱۹۹۷: ۱۱۱). ایالات متحده هم خواهان بهبود روابط عراق و ایران برای تضمین امنیت در خلیج فارس، ادامه صادرات نفت به غرب، کاهش قدرت شوروی در منطقه و نشان دادن نرمش عراق در مورد مسئله فلسطین بود. همچنین شایعه شده بود که کیسینجر به پایتخت یک کشور عربی سفر کرده است تا مخفیانه با رهبران حزب بعث دیدار کند و به مشکلات خود با ایران پایان دهد (حامد محمود عیسی، ۲۰۰۵: ۱۰۳؛ ن‌ه‌وزاد ع‌ه‌بدول‌ه‌ئ‌توتی، ۲۰۰۹: ۷۲).

در اوایل ۱۹۷۴م. صدام حسین نمی‌خواست با ایران توافق کند، زیرا معتقد بود که می‌تواند با کمک اتحاد جماهیر شوروی بر کردها مسلط شود (ج‌ه‌بار قادر، ۱۹۹۹: ۷۸)؛ اما در اواخر ۱۹۷۴م. و اوایل ۱۹۷۵م. جنگ بین کردها و دولت عراق به بالاترین سطح خود رسیده بود. درگیری ایران و عراق نیز به علت دخالت مستقیم ایران در جنگ بین دولت عراق و

کردها به حد خطرناکی رسیده بود و تقریباً منجر به شروع جنگ بین ایران و عراق می شد که خواست هیچیک از دو کشور نبود (تشارلز ترب، ۲۰۰۶: ۲۸۳).

صدام حسین در کنفرانس رهبران عرب در رباط از برخی از رهبران عرب که روابط خوبی با ایران داشتند، از جمله انور سادات رئیس جمهور مصر، ملک حسین پادشاه اردن و هواری بومدین رئیس جمهور الجزایر خواست میان عراق و ایران میانجیگری کنند (ن هوشیروان مستهفای همین، ۱۹۹۲: ۲۶؛ نازناز محمد عبدالقادر، ۲۰۰۸: ۲۱۴؛ ناظم رشم معتوق، ۲۰۱۷: ۱۹۴). وضعیت ارتش عراق به گونه ای بود که انتظار داشت ظرف سه ماه به جنگ کردستان پایان دهد؛ اما با ادامه جنگ، ارتش متحمل خسارات سنگین شد. بر اساس نامه ای که بعداً به بارزانی رسید، صدام حسین گفت که در یک سال، شصت هزار نفرشان کشته و زخمی شده اند، چهار میلیارد دلار و تمام زرادخانه و مهمات ارتش تلف شده است و نیروی هوایی عراق تنها سه بمب برای استفاده علیه کردها دارد (پاول شیسمن، ۲۰۱۴: ۵۵۲-۵۵۱).

در این مقطع زمانی، صدام حسین از پیروزی نظامی بر کردها ناامید شده بود؛ به همین دلیل راه گفت و گو را در پیش گرفت (ن هوشیروان مستهفای همین، ۱۹۹۲: ۲۷). ترکیه اولین کشوری بود که برای عادی سازی روابط دو کشور ایران و عراق تلاش کرد، زیرا معتقد بود اگر درگیری های آنها ادامه یابد، به سه کشور ایران، ترکیه و عراق آسیب می رساند (س هروهر عبدالرحمان، ۲۰۱۱: ۷۴). ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی، ملک حسین پادشاه اردن، انور سادات رئیس جمهور مصر و هواری بومدین رئیس جمهور الجزایر در دستیابی به این توافق نقش داشتند؛ اما بومدین نقش بیشتری ایفاء کرد و میانجی نهایی بین آنها شد (بابانزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

تلاش های صلح بین عراق و ایران بسیار محرمانه بود؛ بنابراین نمی توان فهمید چه کسی برای اولین بار تلاش کرد تا دو کشور را به یکدیگر نزدیک کند، انور سادات یا ملک حسین یا هواری بومدین؛ دقیقاً مشخص نیست (کریس کؤچئرا، ۲۰۰۷: ۴۱۷؛ فهریدون نوری، ۲۰۰۷: ۳۸۴)؛ ولیکن ملک حسین پادشاه اردن نقش به سزایی در نزدیک کردن ایران و عراق و توافق برای حل مشکلات داشت و آنها چندین بار از طریق او با یکدیگر ملاقات کردند (حوسئن محمد عزیز، ۲۰۱۹: ۲۳۴) شاه ایران از اردن دیدن کرده بود و در این سفر، ملک حسین پادشاه اردن از محمدرضا شاه خواست با عراق توافق کند (ن هوشیروان مستهفای همین، ۱۹۹۲: ۲۵).

انور سادات رئیس‌جمهور مصر نیز از دوستان بارزانی بود و مستقیماً میان ایران و عراق میانجیگری می‌کرد. سادات نمی‌خواست پشت‌پرده توطئه کند؛ به‌همین دلیل وقتی در دسامبر ۱۹۷۵م. به تهران رفت، نامه‌ای برای بارزانی فرستاد و خواستار گفت‌وگو با وی شد. خود بارزانی نتوانست به دیدن سادات برود، اما به‌جای خود، سامی عبدالرحمن را برای ملاقات با او فرستاد. سامی عبدالرحمن پس از بازگشت از تهران به بارزانی گفت که انور سادات به او گفته که تلاش‌هایی برای حل مشکل بین عراق و ایران در نشست اوپک در جریان است و موضوع اصلی این نشست بررسی مشکلات دو کشور خواهد بود. بارزانی نگران بود که کردها قربانی این توافق شوند؛ نامه‌ای به کیسینجر فرستاد و از او خواست که اجازه دهد خودش به آمریکا سفر کند، اما کیسینجر در نامه‌ای به این درخواست بارزانی پاسخ منفی داد (پاول شیسمن، ۲۰۱۴: ۵۵۴-۵۵۳).

شاه ایران در ۶ ژانویه ۱۹۷۵م. برای سه روز از امان، پایتخت اردن دیدن کرد (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۰۹). سپس در ۸ مارس ۱۹۷۵م. از قاهره بازدید کرد و با انور سادات رئیس‌جمهور مصر دیدار نمود. در این دیدار، بر سر توافق بین ایران و عراق متمرکز شدند (س‌روهر عبدالرحمان، ۲۰۱۱: ۷۶) و سرانجام با میانجیگری رئیس‌جمهور الجزایر در ۶ مارس ۱۹۷۵م. و در جریان نشست سالانه اوپک در الجزایر (رحمانی، ۲۰۱۳: ۳۹) پس از جلسه، صدام حسین، شاه ایران و نخست‌وزیر الجزایر تا نیمه‌های شب گفت‌وگو کردند و توافقاتی حاصل شد (کریس کفچ‌آرا، ۲۰۰۷: ۴۱۹). شاه ایران و صدام حسین دو جلسه دیگر در آنجا برگزار کردند و هواری بومدین از توافق محمدرضا شاه و صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق در باره توافق بر سر حل مسائل مرزی زمینی، آبی و امنیتی خود خبر داد (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۱۰). هر دو طرف تصمیم گرفتند با تشکیل کمیسیون مشترک با نماینده الجزایر اختلافات خود را حل‌وفصل نمایند (شهیدزاده، ۱۳۷۸: ۳۲۷) و صدام و شاه ایران در مقابل چشم جهان همدیگر را در آغوش گرفتند (فهریدون نوری، ۲۰۰۷: ۳۸۶).

### قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر

به دو دلیل عراق و ایران در قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر به توافق رسیدند. دلیل اول، بحران مرز آبی اروندرود؛ از ۱۹۶۹م. اختلاف عراق و ایران بر سر حق استفاده از اروندرود گسترش یافته بود. دلیل دوم، مشکلات امنیتی بین دو کشور؛ ایران به کردهای عراقی کمک می‌کرد که سال‌ها علیه دولت‌های متوالی عراق می‌جنگیدند. در مقابل، دولت عراق نیز به مخالفان شاه ایران کمک می‌کرد (سجادپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۵). جنگ بین کردها و دولت

عراق برای مدت طولانی ادامه یافت و خسارات جانی و اقتصادی زیادی به دولت عراق وارد کرد (ناظم راشم معتوق، ۲۰۱۷: ۱۹۴).

با توجه به این مسائل، توافق بین دولت‌های عراق و ایران اجتناب‌ناپذیر بود. سرانجام، همانگونه که پیش‌تر گفته شد پس از سلسله نشست‌های آشکار و پنهان در سطح وزارتخانه‌های خارجه عراق و ایران با تلاش میانجیگرانه برخی کشورها در نشست سالانه اعضای اوپک، راه رسیدن به توافق هموار گردید.

این قرارداد شامل سه پروتکل امنیتی، مرز زمینی و مرز آبی و همچنین نکات سری تحت عنوان معاهده بین‌المللی مرزی و حق همسایگی عراق و ایران (معاهده مرزهای بین‌المللی و همسایگی های خوب بین عراق و ایران) امضاء شد؛ اما بعدها به قرارداد الجزایر معروف گردید (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۱۸-۱۱۷). متن قرارداد الجزایر غیر از مقدمه و نتیجه آن به شرح زیر است: اول. ترسیم نهایی نقشه مرز زمینی دو طرف بر اساس پروتکل قسطنطنیه ۱۹۱۳ م. و نقشه تاریخی کمیته تعیین مرزی ۱۹۱۴ م.

دوم. تعیین حدود آب رودخانه اروندرود بر اساس خط میانه سوم. دو طرف باید امنیت و اعتماد را به یکدیگر بازگردانند و برای حل و فصل راه‌حل نهایی همه گذرگاه‌های مرزی که به‌منظور اقدامات مخرب هر یک از طرفین انجام می‌شود، متعهد به برقراری نظارت دقیق و مؤثر بر مرز مشترک باشند. چهارم. اقدامات ذکر شده در بالا برای حل مشکلات همه‌جانبه از یک جنس هستند و قابل تفکیک نیستند. هر شکافی در بندی از آن ایجاد شود، کل توافق الجزایر از بین خواهد رفت، هر دو طرف بر لزوم هر گونه همکاری برادرانه در جهت اجرای تصمیمات اقدام خواهند نمود (Ministry of foreign Affairs, 1981:132).

در واقع، قرارداد الجزایر ضربه مهلکی به جبهه کردها وارد کرد (فهریدون نوری، ۲۰۰۷: ۳۸۷) توافقی که در ۶ مارس ۱۹۷۵ م. در الجزایر حاصل شد، چندان طولانی نبود. متن امضاء شده توافقنامه مشتمل بر چهار نکته، یک مقدمه و یک پیوست مختصر بود. کل متن حدود ۲۵۰ کلمه است که بیش از چهار نکته محتوای فشرده، یک مقدمه و یک پیوست ندارد. در ۶ مارس ۱۹۷۵ دو طرف در سطح وزرای امور خارجه با حضور وزیر امور خارجه الجزایر دیدار کردند تا اقدامات لازم برای جزئیات نحوه اجرای توافق را تعیین کنند، سپس مقرر شد که جلسات به نوبت در بغداد و تهران برگزار شود (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۲۰-۱۱۹). پس از امضای قرارداد، شاه ایران، دعوت احمد حسن باکری رئیس‌جمهور برای سفر به عراق

را پذیرفت. در مقابل، صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق موافقت کرد که در تاریخ توافق‌شده به ایران سفر کند (پاول شیسم‌ن، ۲۰۱۴: ۵۵۶).

در مورد جایگاه کردها در توافق الجزایر، نکته اول و چهارم هیچ ربطی به کردها ندارد، جز بندی که می‌نویسد: «اقدامات ذکر شده در بالا برای حل مشکلات همه‌جانبه از یک جنس هستند و قابل تفکیک نیستند، هر شکافی در بندی از آن ایجاد شود، کل توافق الجزایر از بین خواهد رفت» (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۲۱). این بدان معناست که بندهای توافقنامه از هم جدا نمی‌شوند و با انحراف از نکته‌ای از توافق یا اجرا نشدن کل توافق، توافق قابل نقض است و می‌توان آن را لغو کرد (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۲۱) اگرچه نام کردها در هیچ جای این قرارداد ذکر نشده بود؛ اما این معامله‌ای بود که بین دو دولت و نقش کردها انجام می‌شد (ن‌هوشیروان مست‌دفا ئه‌مین، ۱۹۹۲: ۲۹؛ س‌ه‌روهر عبدالرحمان، ۲۰۱۱: ۷۸).

صدام حسین در آخرین دیدار خود با ادريس بارزانی، پسر ملا مصطفی بارزانی و رئیس هیئت مذاکره‌کننده حزب دمکرات کردستان، قاطعانه به او گفته بود: «به پدرت بگو ما را مجبور به سازش با ایران نکند. اگر ساختار عراق مورد تهدید قرار گیرد، برای رفع آن تهدید بر سر خلیج فارس مصالحه خواهیم کرد.» (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۲۲-۱۲۱) توافق بین شاه ایران و صدام حسین این بود که ایران از حمایت کردها دست بردارد و در عوض، دولت عراق از کرانه چپ شط‌العرب در مرز بین دو کشور عقب‌نشینی کند (دی‌فد رؤمان‌ؤ، ۲۰۲۰: ۴۱۳؛ ف‌ه‌ریدون نوری، ۲۰۰۷: ۳۸۷).

## تأثیر قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بر سرنوشت کردهای عراق

### الف. آواره شدن کردهای عراق

پس از توافق الجزایر، دولت ایران به‌سرعت مرزهایش را به روی کردها بست، نیروهای موساد، سیا و ساواک بلافاصله همراه با توپخانه ایران منطقه را ترک کردند و کمک به کردها به حالت تعلیق درآمد (دی‌فد رؤمان‌ؤ، ۲۰۲۰: ۴۱۳). نیروهای ایرانی تنها چند ساعت پس از امضای قرارداد به اردوگاه‌های خود بازگشتند و مناطق تحت حکومت بارزانی کاملاً در معرض تهدید بود. طبق توافق با عراق قرار بود پادشاه ایران از سیزده مارس تا اول آوریل جنگ را متوقف کند تا در این فاصله، افراد بارزانی فرصت داشته باشند که تسلیم شوند یا به ایران پناه ببرند (دی‌فد ماکداوئل، ۲۰۱۹: ۵۲۹). از ۶ مارس ۱۹۷۵ تا ۱۹ مارس ۱۹۷۵م. رهبری جنبش یازده سپتامبر تصمیم به شکست جنبش گرفت. در طول این دو هفته،

مبارزان گرد به دلیل تقسیم رهبری دل سرد شدند و دولت برای همه مبارزان گرد عفو عمومی صادر کرد. در اوج درگیری رهبری در جلسه ۱۸ تا ۱۹ مارس ۱۹۷۵م. که هرج و مرج بیشتر شده بود، رهبران کرد در ۲۰ مارس ۱۹۷۵م. نامه‌ای به تمام نیروهای کرد فرستادند و از آنها خواستند تسلیم دولت شوند (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۷۴؛ لازاریف، ۲۰۱۲: ۵۱۶) با تصمیم رهبران کرد برای تسلیم، وضعیت نابسامان و ناامنی در سراسر کردستان عراق به‌ویژه در مناطق آزاد و پیشمرگه‌ها فراگیر شد (سعیدی، ۱۳۹۴: ۴۲).

پس از روشن شدن اوضاع، بارزانی باید بین تسلیم شدن به دولت عراق یا پناه بردن به ایران یا ادامه جنگ بدون حمایت دولت ایران، یکی را انتخاب می‌کرد و وضعیت ناگواری کل کردستان را فراگرفته بود (محمد صبحی، ۲۰۱۸: ۳۴۶). بارزانی، پنج روز پس از تصمیم به پایان دادن جنبش یازده سپتامبر در ۲۵ مارس ۱۹۷۵م. از طریق مرز حاجی عمران، عراق را ترک کرد و به ایران رفت (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۹۸). صدها هزار پناهنده کرد و از جمله خانواده بارزانی، عراق را به مقصد ایران ترک کردند (دی‌فد رومان‌و، ۲۰۲۰: ۴۱۴؛ دی‌فد ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۳۰). دولت ایران، بارزانی و حدود ۱۰۰ نفر از بستگانش را در یکی از محله‌های شهر کرج اسکان داد (ن‌هوشیروان مست‌هفا ئ‌همین، ۱۹۹۲: ۳۲). ۴ سال بعد، در ۱۹۷۹م. بارزانی در بیمارستانی در آمریکا بر اثر ابتلا به سرطان ریه درگذشت (دی‌فد رومان‌و، ۲۰۲۰: ۴۱۴؛ ن‌هوشیروان مست‌هفا ئ‌همین، ۱۹۹۷: ۳۵).

در ۱۸ مارس، دولت ایران اعلام کرد تا ۱۲ آوریل به کردها فرصت می‌دهد که به ایران پناه ببرند. دولت عراق اعلام کرد تا ۱۳ آوریل به آنها مهلت می‌دهد تا تسلیم شوند، در غیر این صورت در روزهای بعد، حمله نظامی به مناطق آزاد را آغاز خواهد کرد (سعیدی، ۱۳۹۴: ۴۴). در جریان عفو، نزدیک به ۵۰ هزار نیروی مسلح و تعداد زیادی از مردم کرد تسلیم دولت عراق شدند. بارزانی آنها را بین تسلیم شدن به دولت عراق یا پناهندگی در ایران آزاد گذاشته بود (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۱۹۹) و عفو عمومی تا ۱ آوریل ۱۹۷۵ ادامه یافت. هم ایران و هم عراق به فشار بر پناهندگان برای بازگشت به عراق ادامه دادند (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۲۰۱-۲۰۰).

دولت عراق بیشتر پناهندگانی را که به عراق بازگشتند، به جنوب و مرکز عراق از جمله شهرهای کوت، عمار و ناصریه منتقل کرد (کریس ک‌وچ‌ئ‌را، ۲۰۱۳: ۵۲؛ دی‌فد ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۳۱). آمار دقیقی از تعداد پناهجویان وجود ندارد؛ برخی تعداد آنها را بین ۱۲۰ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر تخمین می‌زنند و عده‌ای این عدد را ۹۵ هزار نفر می‌دانند. آمار دقیقی از تعداد پناهندگان به ایران در دسترس نیست؛ اما واضح است که این تعداد خیلی زیاد بوده



است (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۰۵-۲۰۴). با این حال، مک داول تخمین می‌زند که از ۲۱۰ هزار پناهنده کردی که به ایران رفته‌اند، تنها ۱۴۰ هزار نفر با مجوز دولت به عراق بازگشتند (دی‌فد ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۳۱).

نوشیروان مصطفی تعداد پناهندگان را ۱۵۰ هزار نفر عنوان کرده است (ن‌هوشیروان مست‌هفای‌همین، ۱۹۹۲: ۳۲) تعدادی از کسانی که از ایران گریخته‌اند، از طریق آژانس‌های بین‌المللی به کشورهای دیگر به‌ویژه اروپا و آمریکا رفتند که البته آنها بیشتر کسانی بودند که مهارت یا تحصیلات بالایی داشتند (سعیدی، ۱۳۹۴: ۵۰). بر اساس گزارش سازمان اطلاعات عراق، تعداد آوارگان کرد عراقی در کشورهای اروپایی و آمریکایی تا ۱۹۷۹م. به ۳۵۰۰۰ هزار نفر رسید (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۰۵).

### ب. فروپاشی احزاب سیاسی کرد

در طول سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵م. چند حزب سیاسی کوچک مانند کژیک، حزب کمونیست عراق و کمیته مارکسیست-لنینیست وجود داشت. حزب دمکرات کردستان، رهبری سیاسی و نظامی کل کردستان عراق را بدون رقیب تحت کنترل داشت؛ اما با پایان یافتن جبهه یازده سپتامبر (جنش ایلول) اقتدار آنان نیز از میان رفت (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۲۳-۲۲۲).

با خروج ملا مصطفی بارزانی و پسرانش از عرصه مقاومت در برابر دولت، جبهه کردها سردرگم شد و حزب دمکرات کردستان فروپاشید (دی‌فد ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۳۵). پس از نابودی جنبش یازده سپتامبر، مقامات دولتی عراق شروع به حذف چهره‌های راست و چپ کردند، به این دلیل که آنها تهدیدی برای رژیم حاکم در آینده خواهند بود (جلیلی جلیل و ئ‌هوانی تر، ۲۰۱۳: ۴۸۸). پس از توافق الجزایر، تعداد کمی از مبارزان کرد در داخل عراق باقی ماندند که شبانه به نیروهای دولتی حمله می‌کردند و روزها مخفی می‌شدند (دی‌فد رومان‌و، ۲۰۲۰: ۴۱۴).

ملا مصطفی بارزانی و هوادارانش از سوئی، مجدداً شروع به فعالیت کردند و جلال طالبانی و دوستانش از سوی دیگر، اتحادیه میهنی را تأسیس کردند (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۲۴) و در آوریل ۱۹۷۵ رهبری حزب دمکرات کردستان توسط تعدادی از اعضای سابق رهبری و چند تن از جوانان آژانس امنیتی حزب دمکرات کردستان دوباره تأسیس شد (صالح‌الخرسان، ۲۰۰۱: ۲۴۶-۲۴۵).

ادریس بارزانی و مسعود بارزانی در اروپا با سامی عبدالرحمن دیدار کردند و در اوت ۱۹۷۶ حزب دمکرات کردستان (رهبری موقت) را تأسیس کردند و چون قبلاً تجربیات تلخی از ایران و آمریکا داشتند، سیاست گرایش به چپ را در پیش گرفتند (دی‌فد ماکداوُل، ۲۰۱۹: ۵۳۶). شکست جنبش یازده سپتامبر باعث شد تا ملا مصطفی بارزانی از عرصه سیاسی خارج شود (به‌هادین نوری، ۲۰۱۸: ۴۵).

رهبری موقت حزب دمکرات کردستان از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹م. تا زمانی که ملا مصطفی بارزانی در قید حیات بود، به فکر انتصاب هیچ رهبری نیفتاد و تنها سامی عبدالرحمن به‌عنوان دبیر کل منصوب شد (سنجاری، ۱۹۹۷: ۱۵۳)؛ اما به‌دلیل محدودیت‌های دولت ایران، فعالیت‌های آنها محدود شد (دی‌فد ماکداوُل، ۲۰۱۹: ۵۳۶).

در بهار ۱۹۷۵م. جلال طالبانی، رقیب سیاسی ملا مصطفی بارزانی، با برخی از رهبران سیاسی که بارزانی قبلاً از حزب دمکرات کردستان اخراج کرده بود، اتحادیه میهنی کردستان را تشکیل داد (دی‌فد رومان‌و، ۲۰۲۰: ۴۱۴؛ به‌هادین نوری، ۲۰۱۸: ۴۵). در خصوص تشکیل اتحادیه میهنی کردستان، جلال طالبانی از اعضای مؤسس آن گفته است: در ۲۵ می ۱۹۷۵ در کافه‌ای در دمشق پایتخت سوریه، چند نفر تصمیم گرفتند که جبهه‌ای سیاسی علیه دولت عراق تشکیل دهند (ج‌ه‌لال تال‌ه‌بانی، ۲۰۰۹: ۲۱۵).

تأسیس اتحادیه میهنی کردستان اولین حزبی است که پس از شکست جنبش یازده سپتامبر ظهور کرد (س‌ه‌ل‌اح رشید، ۲۰۲۲: ۱۵۰). اتحادیه میهنی کردستان در ۱ ژوئن ۱۹۷۵م. در دمشق سوریه تأسیس شد و بیانیه تأسیس را صادر کرد. کمیته مؤسس این تشکل جدید پیش از این در صفوف حزب دمکرات کردستان و جنبش یازده سپتامبر به شیوه‌های مختلف فعالیت کرده بود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۳۱؛ دی‌فد ماکداوُل، ۲۰۱۹: ۵۳۵). اتحادیه میهنی کردستان، عملیات نظامی خود را در ۱۹۷۶م. آغاز کرد (دی‌فد ماکداوُل، ۲۰۱۹: ۵۳۶) و این نشان داد که با شکست جنبش یازده سپتامبر، مبارزات کردها پایان نیافته است، بلکه احزاب و گروه‌های سیاسی دیگر نیز به میدان آمده‌اند. گروه سوم که محمود عثمان و دوستانش را شامل می‌شد، کمیته‌ای به نام کمیته مقدماتی حزب دمکرات کردستان تشکیل داد. در اواسط ۱۹۷۷م. با رهبری اتحادیه میهنی کردستان به منطقه کردستان بازگشت و در مبارزه با رژیم بعث شرکت کرد (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۳۳-۲۳۴). در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۵ حزب سوسیالیست گُرد؛ پاسوک<sup>۱</sup> در کرکوک تأسیس شد که یک حزب

<sup>۱</sup>. PASOK

ملی رادیکال بود (کاوه یه‌مین، ۲۰۰۰: ۶۳-۶۰). پس از تشکیل اتحادیه میهنی کردستان در ۱۹۷۵م. درگیری بین حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان رخ داد که هر بار یکی از آنها با دولت عراق گفت‌وگو می‌کرد؛ آنها خود را نمایندگان کل مردم کرد می‌دیدند (دی‌فد رومانو، ۲۰۲۰: ۴۱۵).

با ظهور احزاب و تشکل‌های سیاسی، جنگ رسانه‌ای بین آنها به‌ویژه میان اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان آغاز شد. پس از بازگشت کردها به کردستان از ۱۹۷۶م. جنگ داخلی بین کردها شروع شد و تقسیم سیاسی و مسلحانه کردها پس از ۱۹۷۵م. نتیجه شکست سیاسی جنبش کردها بعد از قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۴۴-۲۴۳).

### ج. تبعید اجباری کردها و عربی کردن کردستان

پس از شکست کردها، حکومت بعث سیاست تبعید و تخریب را آغاز کرد و جمعیت این مناطق پس از جابه‌جایی به‌طور کامل تحت نظارت سازمان‌های دولتی قرار گرفت (جلیلی جلیل و یه‌وانی تر، ۲۰۱۳: ۴۸۸). اگر چه تبعید کردها سابقه طولانی‌تری دارد؛ اما در این مرحله در سطح بسیار وسیعی صورت پذیرفت. ایران و عراق تصمیم گرفتند در چهارچوب پروتکل سوم توافق الجزایر، کمربند خالی در مرز ایجاد کنند. بنابراین، بلافاصله پس از شکست کردها، دولت عراق اقدام به تبعید کردها و ایجاد کمربند خالی از سکنه کرد. تبعید یکی از پیامدهای خطرناک توافق الجزایر برای کردهای عراق بود (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۴۹). دولت عراق به چند منظور از جمله حذف کردها از مناطق استراتژیک و اقتصادی، جمعیت کردها را جابه‌جا کرد. دولت تلاش می‌نمود تا آنجا که ممکن است و تحت عنوان کمربند امنیتی، کردها را از مرزها به جنوب و مرکز عراق منتقل کند تا در ازای اسکان اعراب به‌جای آنها، روابط کردها را با ایران، ترکیه و سوریه قطع نماید (لازاریف، ۲۰۱۲: ۵۵۹). هدف اصلی از جابه‌جایی جمعیت کردها، در واقع جلوگیری از تبدیل شدن جمعیت کردها به تهدیدی برای حکومت عراق و بروز هرگونه حرکت مسلحانه در این مناطق بود (کوثر عزیز گه‌آلی، ۲۰۰۹: ۵۹). تاریخ تبعید در دوران رژیم بعث با به دست گرفتن قدرت در ۱۹۶۳م. آغاز شده بود و تا زمان طولانی ادامه یافت؛ گاهی سریع و گاهی آرام‌تر بود. آوارگی روستاییان کرد نتیجه ایدئولوژی ناسیونالیستی افراطی عرب حزب بعث بود که در پی نابودی و جرم‌انگاری تمامی اقلیت‌های قومی در چهارچوب کشورهای عربی صورت می‌گرفت (بابان‌زاده، ۲۰۱۳:

۲۵۱) و دولت بعث، سیاست عربی کردن کرکوک، سنجار، شیخان، زاخو و خانقین را سرعت بخشید (کریس کویچ، ۲۰۱۳: ۵۳).

پس از لغو قرارداد الجزایر در ۱۹۸۰م. مساحت مناطق تخلیه شده بسیار بیشتر از حد انتظار بود و علاوه بر مرز ایران، مرزهای ترکیه و سوریه را نیز در بر می گرفت. ارقام متفاوتی برای عمق کمربند خالی شده ارائه شد که از ده کیلومتر تا چهل کیلومتر متغیر بود؛ اما به نظر می رسد بیشتر از این، منطقه خالی شده باشد (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۲۵۴-۲۵۳).

ارقام متفاوتی برای تعداد روستاها و جمعیت های آواره اعلام شده است. به گفته یک منبع، تنها در ۱۹۷۵م. حدود ۶۸۰ روستا و عمدتاً روستاهای مرزی جابه جا شدند. سپس تمامی نواحی مرزی استان های اربیل، دهوک، موصل و دیالی را در بر گرفت که در آن ۱۴۰۰ روستا تا ۱۹۷۸م. ویران شد (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۲۵۶). با این حال، لازاریف تعداد روستاهای جابه جاشده بین سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸م. را حدود ۱۲۰۰ روستا تخمین زده است (لازاریف، ۲۰۱۲: ۵۶۰؛ پاول شیسمن، ۲۰۱۴: ۵۶۸).

بر اساس گزارش حزب کمونیست عراق، ۱۲۲۲ روستا از ۱۹۷۴م. تخلیه شده و در استان های دیالی، سلیمانیه، اربیل، دهوک و موصل بیشتر این روستاها با بولدوزر، بیل و تانک ویران، سوزانده یا با خاک یکسان و اعراب جایگزین آنها شدند که بعدها به تنش بین کردها و اعراب در منطقه منجر شد (جلیلی جلیل و ئهوانی تر، ۲۰۱۳: ۴۹۱).

دیوید مک داوول نوشته که تخلیه در برخی نقاط به سه کیلومتر و در برخی دیگر به سی کیلومتر رسیده است. در مرحله اول، دولت ۵۰۰ روستا را تخریب کرد که در ۱۹۷۸م. به ۱۴۰۰ روستا افزایش یافت و حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر روستایی به اردوگاه ها منتقل شدند؛ این روستاها در ظاهر روستاهای عرب نشین بودند. خیابان ها آنقدر بزرگ و عریض بود که تانک ها به راحتی تردد می کردند و هیچکس حق بازگشت به سرزمین اجدادی خود را نداشت و هر کسی که باز می گشت، به اعدام محکوم می شد (دی فد ماکداوول، ۲۰۱۹: ۵۳۱). به طور کلی از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹م. تعداد کل روستاهای تخریب شده در چهارچوب روند کمربند امنیتی به ۲۰۰۰ روستا و برخی از آنها در چهارچوب سیاست عرب سازی مناطق کردنشین تخریب شدند (بابانزاده، ۲۰۱۳: ۲۵۶). روستاییان کردنشین به طور کامل به جنوب و مرکز عراق منتقل و اعراب جایگزین شدند. علاوه بر مرزنشینانی که تا عمق بیست کیلومتری تخلیه شدند، برخی از ساکنان روستاهای منطقه بارزان به جنوب رانده و تا پنج سال از حق بازگشت محروم شدند. پس از پنج سال نیز اجازه بازگشت به مناطق خود را نداشتند و

مجبور بودند در کمپ‌ها زندگی کنند؛ کمپ‌ها به این بهانه ساخته شدند که خدمات خوبی دارند و به راحتی در دسترس هستند (کریس کؤچئرا، ۲۰۱۳: ۵۳).

کمپین اخراج نه تنها کردها، بلکه اقلیت‌های دیگری مانند ایزدی‌ها، کاکایی‌ها و مسیحیان را نیز تحت تأثیر قرار داد و دولت چندین کمپ برای ساکنان این روستائیان ساخت. آنها نزدیک شهرهای بزرگ و در جاده‌های اصلی بودند و ادارات دولتی ساکنان این کمپ‌ها را به دقت زیر نظر داشتند و کنترل می‌کردند (بابان‌زاده، ۲۰۱۳: ۲۵۸-۲۵۷). به گفته منابع کردی، تعداد کردهای آواره داخل عراق در خانقین، بدره، جسان، مندلی، کرکوک، سنجار و شیخان ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است و آنها را با عرب‌های عراقی و عشایر مصری جایگزین کردند (دی‌فد ماکداول، ۲۰۱۹: ۵۳۱).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی اختلافات مرزی دو کشور ایران و عراق، به دنبال بررسی تحلیلی تأثیر قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر بر سرنوشت سیاسی کردهای عراق است. این قرارداد در واقع یکی از قراردادهای مهم در روابط دو کشور ایران و عراق در دوره معاصر به شمار می‌رود که رهبران وقت هر دو کشور برای پایان دادن به اختلافات مرزی در ۶ مارس ۱۹۷۵م. بر سر مفاد آن به توافق رسیدند. با بررسی تاریخ عراق طی دهه‌های گذشته می‌توان دریافت که کردهای این کشور نتوانسته‌اند از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جایگاه مناسبی را در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشند. تسلط اعراب، هسته اصلی ارکان قدرت از زمان حکومت پادشاهی تا ۱۹۶۹م. و بعدها حکومت بعث در عراق و همچنین اتخاذ سیاست سرکوبگرانه دولت‌های مرکزی عراق در قبال کردها منجر به ظهور جنبش‌های نظامی از جانب احزاب و مردم کردستان عراق شد. این جنبش‌ها در هر دوره‌ای متناسب با وضعیت حاکم بر آن برهه متفاوت بوده‌اند. آخرین جنبش کردها در نتیجه این سیاست سرکوب‌گرانه، جنبش ایلول بود که منجر به تضعیف حکومت مرکزی و تن دادن به قرارداد الجزایر در ازای دریافت امتیازات و سرکوب کردها گردید. از تبعات مهم انعقاد قرارداد الجزایر بر کردهای عراق می‌توان به این موارد اشاره کرد: انهدام جبهه یازده سپتامبر، اولین نتیجه قطعی اجرای قرارداد الجزایر بین صدام حسین و محمدرضا پهلوی بود. اگر چه برخی کردها نابودی نهضت یازده سپتامبر را به پشت کردن شاه ایران به کردها نسبت می‌دهند، عده‌ای از کردها، ایالات متحده آمریکا را دلیل اصلی نابودی این جنبش می‌دانند. این قرارداد باعث شد

که احزاب سیاسی کرد به بلوک غرب پشت کنند و به بلوک سوسیالیستی شرق روی آورند. انشعاب احزاب سیاسی در کردستان عراق، پس از پایان جنبش یازده سپتامبر، یک خلأ بزرگ سیاسی ایجاد نمود و راه را برای ورود سایر احزاب و سازمان‌های کردی به عرصه سیاست کردستان عراق باز نمود که این مسئله در نهایت مانع از اتحاد سیاسی کردها گردید. مهاجرت اجباری تعداد زیادی از کردهای عراق به ایران و سایر کشورها، یکی دیگر از نتایج غیرمستقیم قرارداد الجزایر بود. قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر دست دولت عراق را باز کرد و به این دولت اجازه داد تا سیاست اعراب‌سازی کردستان عراق و انتقال جمعیت کرد به مرکز و جنوب عراق را اجراء کند و اعراب مهاجر را جایگزین آنها نماید.



تصویر شماره ۱. محمدرضا پهلوی (ایران)، هواری بومدین (الجزایر) و صدام حسین (عراق)  
(منبع: کتاب موافقتنامه الجزایر و ابعاد آن در مورد مسئله کردها در جنوب کردستان، کامران بلان زاده، ۲۰۱۳م.)



تصویر شماره ۲. محمدرضا پهلوی و صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق  
(منبع: کتاب نقش رهبران کردستان در قیام‌ها و انقلاب‌ها، نجم سنگاوی، ۲۰۱۷م.)

### متن اعلامیه الجزیره ۶ مارس ۱۹۷۵

هنگام جلسات سران اوپک در پایتخت الجزیره و با ابتکار هواری بومدین، شاه ایران و آقای صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب دو بار ملاقات کردند و مذاکرات طولانی درباره روابط بین ایران و عراق بعمل آوردند. صقات مشخص این مذاکرات که با حضور رئیس جمهور هواری بومدین انجام گرفت صراحت کامل و اراده صادقانه هر دو طرف برای رسیدن به یک راه حل نهائی و دائمی برای کلیه اختلافات بین دو کشور، با توجه به اصول (احترام به) تمامیت ارضی، عدم امکان تجاوز به مرز و عدم مداخله در امور دیگران بود.

طرفین معظمین متعهدین تصمیمات زیر را اتخاذ نمودند:

اول - علامت گذاری نهائی مرزهای زمینی بر طبق پروتکل اسلامی مورخ

۱۹۱۳ و صورت جلسات تحدید حدود مرزی سال ۱۹۱۴

دوم - تعیین حدود مرزهای رودخانه‌ای بر اساس خط تالوگ

سوم - طرفین امنیت و اعتماد متقابل را مجدداً در طول مرزهای مشترک برقرار نمایند. آنان همچنین متعهد میشوند که نظارت دقیق و موثر از مرزهای مشترک خود بمنظور پایان دادن بهر نوع رخنه اختلافگراانه صرفنظر از منشأ آن بعمل آورند.

چهارم - طرفین همچنین موافقت نمودند که تزییات فوق عناصر جداناپذیر یک راه حل جامع می باشند. و در نتیجه هر گونه تخلف از یکی از اجزاء متشکله آن مسلماً با روح توافق الجزیره مغایرت خواهد داشت. طرفین در تماس دائم با رئیس جمهور هواری بومدین خواهند بود و ایشان در موقع لزوم مساعدت برادرانه الجزایر را برای اجرای این تصمیمات ابراز خواهند داشت.

طرفین تصمیم گرفته اند که پیوندهای همسایگی و دوستی سنتی را مخصوصاً با از بین بردن کلیه عوامل منفی در روابط بین خود و از طریق مبادله دائم نظرات خویش درباره مباحث مورد علاقه مشترک و با توسعه همکاری متوازن تجدید نمایند.

طرفین بطور رسمی اعلام میکنند که منطقه (خلیج فارس) باید مصون از هر گونه مداخله بیگانگان باشد.

وزرای خارجه عراق و ایران با حضور وزیر امور خارجه الجزایر در ۱۵ مارس ۱۹۷۵ در تهران ملاقات خواهند کرد و شرایط کار کمیسیون مشترک ایران و عراق را که باید تصمیمات متخذه در توافق مشترک را بنحوی که در بالا گفته شد بمورد اجرا بگذارد معین خواهند نمود. و بر طبق تمایل طرفین (نماینده) الجزایر نیز برای جلسات



کمیسیون مشترک ایران و عراق دعوت خواهد شد. کمیسیون دستور جلسه و روش اجرایی کار خود را معین خواهد کرد و در صورت لزوم جلسات (متعدد) تشکیل خواهد داد. جلسات به تناوب در بغداد و تهران تشکیل خواهد شد.

اعلیحضرت شاه ایران و آقای صدام حسین، هر دو امتنان عمیق خود را نسبت به رئیس جمهور هواری بومدین که با احساسات برادرانه و با یک روحیه بی طرفی برای برقراری تماس مستقیم بین رهبران دو کشور اقدام کردند و در نتیجه به احیاء یک عصر جدید در روابط بین ایران و عراق بمنظور حفظ منافع بیشتر آینده منطقه مورد بحث مشارکت نمودند ابراز داشتند. «

### تصویر شماره ۳. متن توافقنامه الجزایر

(منبع: کتاب قرارداد ۱۹۷۵م. الجزایر، سیاوش بشیری، ۱۳۸۸)

## منابع و مأخذ

### کتابها

#### فارسی و عربی:

اسناد آرشیوی شورای امنیت سازمان ملل (دعوی عراق و موضوع شکایت آن)، ۱۹۷۴، سند شماره ۱۱۲۱۶ مورخ ۱۲ فوریه ۱۹۷۴، تهران: [بی.نا].

اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱، *تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر حقوقی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران.

بشیری، سیاوش، ۱۳۸۸، *قرارداد ۱۹۷۵ / الجزائر*، کرفلد آلمان: سازمان شاهیران.

بیداء محمود أحمد، ۲۰۰۶، «الحدود العراقية الإيرانية»، *دراسة تاريخية سياسية*، دراسات و بحوث الوطن العربي، بغداد: [بی.نا].

پارسادوست، منوچهر، ۱۳۶۷، *ریشه‌های تاریخی اختلافات جنگ عراق و ایران*، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات سپها.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *ما و عراق از گذشته‌ی دور تا امروز*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

تشارلز، ترب، ۲۰۰۶، *صفحات من التاريخ العراق الحديث*، ترجمه: زینت جابر ادریس، بیروت: مطبعه دارالعربیه للعلوم.

جعفری ولدانی، اصغر، «نگرشی به عهدنامه ۱۹۷۵م. ایران و عراق»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۱۳۸۷، ش. ۲۴۸.

حامد محمود عیسی، ۱۹۹۲، *المشكلة الكردیه فی الشرق الأوسط منذ بدايتها حتى سنه ۱۹۹۱*، القاهرة: مکتبه مدوج.

حامد محمود عیسی، ۲۰۰۵، *القضیه الكردیه فی العراق من الاحتلال البريطاني إلى الغزو الأمريكي ۱۹۱۴ - ۲۰۰۴*، القاهرة: مکتبه مدبولی.

خالد العزی، ۱۹۸۰، *مشكلة العرب فی ظل معاهدات و القنون، بغداد: وزارة الثقافة و العلم*.  
سعیدی، مدرس، «بررسی ابعاد دامنه‌های مهاجرت کردهای عراق به ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ شمسی»،  
خردنامه، ۱۳۹۴، ش. ۱۵، صص ۵۴-۳۱.

سجادپور، سید کاظم و رضا امیری‌مقدم، «نقش سازکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی - مطالعه موردی: عهدنامه مرزی و حسن هم‌جواری الجزایر»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۳۸۸، س. پنجم، ش. دوم، صص ۴۰-۱.

شهیدزاده، حسین، ۱۳۷۸، *ره آورد روزگار*، تهران: شرکت البرز.

شیخ‌عطار، علیرضا، ۱۳۸۲، *کردها و قدرتهای منطقه‌ای*، جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

صالح‌الخرسان، ۲۰۰۱، *التیارات السیاسیه فی کردستان العراق، ۱۹۴۶-۲۰۰۱*، بیروت: مؤسسه البلاغ للطباعه و النشر.

فاضل حسین و اخرون، ۱۹۸۰، *تاریخ العراق المعاصر*، بغداد: [بی‌جا].

فاضل رسول، ۱۹۹۱، *العراق - ایران اسباب ابعاد النزاع*، معهد النمساوی للسیاسات الدولیه، د. م. بغداد: [بی‌جا].

فولر، گراهام، ۱۳۸۷، *قبله‌ی عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

مصطفی عبدالقادر النجار و الاخرون، ۱۹۸۱، *الحدود الشرقيه للوطن العربی*، بغداد: دارالحریه للتابعه.  
منعم صاحبی العمار، «تفاهیه الجزائر ۱۹۷۵ و الشراکه الاستراتیجیه بین العراق و الولايات المتحده، قراهه فی حتمیات التلازم و التغیر»، *مجله قضیة سیاسیه*، ۲۰۰۸، *جامعه‌النهرین*، کلیه‌العلوم‌السیاسیه، العدد ۲، دراسات العراقیه.

ناظم رشم معتوق، «انعکاس التفاهیه الجزائر عام ۱۹۷۵ علی الحریه الكردیه المسلحه فی العراق»، *مجله اباحات لابصره للعلوم الانسانیه*، ۲۰۱۷، العدد ۲ لامجله ۴۲، *جامعه البصره*، کلیه‌الأداب، قسم التاریخ.

هاتف، محمد، ۱۳۷۱، *روابط ایران و عراق و مسئله‌ای اروندرود*، تهران: پارژنگ.

یکتا، حسن، «ایران و عراق - از عهدنامه الجزایر تا رویارویی»، *مجله زمانه*، ۱۳۸۱، ش. ۲، صص ۳۵-۳۰.

### منابع کردی:

نیه‌رهیم ج‌ه‌لال، ۱۹۹۹، *خواری کوردستان و ش‌فرشی ئ‌ه‌یلول بنیادنان و ه‌ه‌لت‌ه‌کاندن ۱۹۶۱-۱۹۷۵*، چاپی س‌ئی‌ه‌م، سل‌ئ‌مانی: چاپخان‌ه‌ی ژیار.

ب‌ه‌هادین نوری، ۲۰۰۱، *بیره‌وه‌ری‌ه‌کانی ب‌ه‌هادین نوری، وه‌رگ‌ئ‌رانی س‌ه‌ردار صالح*، سل‌ئ‌مانی، چاپخان‌ه‌ی ره‌نج.

\_\_\_\_\_، ۲۰۱۸، *پرسی کورد و ئ‌ه‌زموئی کوردستانی ع‌ئ‌راق*، سل‌ئ‌مانی: چاپخان‌ه‌ی زانا.

پاول شیسمن و خوش‌هوی مه‌لا ئیبراهیم، ۲۰۱۴، ژیان و رنجبازی مه‌لا مست‌هفای بارزانی، وهرگ‌ئێرانی کازم ش‌مدادی، ه‌ولیر: چاپخان‌هی موکریانی.

جلیلی جلیل و ئ‌هوانی تر، ۲۰۱۳، ش‌فرش‌ه‌کانی کورد له سه‌رده‌می نوێدا وهرگ‌ئێرانی به‌هادین ج‌ه‌لال مست‌ه‌فا، ه‌ول‌ئێر: چاپخان‌هی ر‌ژ‌ه‌ه‌لات.

ج‌ه‌بار قادر، ۱۹۹۹، چ‌هند باب‌ه‌ت‌خ‌کی م‌خ‌ژ‌وو‌ی کورد، سل‌ئێمانی: ب‌ئ‌ شوێنی. ج‌ه‌لال ت‌ل‌ه‌بانی، ۱۹۷۰، کوردستان و بزوتن‌ه‌وی ن‌ه‌ت‌ه‌ومی کورد، به‌یروت: ب‌ل‌او‌کراوه‌ی کت‌ب‌خان‌هی ج‌ه‌مالی علی باپیر.

\_\_\_\_\_ ۲۰۰۹، به‌ش‌ئ‌ک له‌ بیره‌وه‌ری ه‌کانی مام ج‌ه‌لال، ئاماده‌کردنی مه‌عد فه‌یاز و س‌وران علی، ک‌ه‌رکوک: زنجیره‌ی ۶۲ له‌ ب‌ل‌او‌کراوه‌کانی ک‌ۆم‌ه‌له‌ی روناکبیری و ک‌ۆم‌ه‌ل‌ای ه‌تی ک‌ه‌رکوک. چارلز تریب، ۲۰۱۳، چ‌هند لاپه‌ره‌ی ه‌ک له‌ میژ‌وو‌ی ع‌ئێراق، وهرگ‌ئێرانی مه‌حم‌ه‌د حوس‌ئ‌ن ئ‌مه‌م‌ه‌د – ع‌ه‌دولقادر ک‌ه‌له‌ور، چاپی س‌ئ‌ی ه‌م، ه‌ولیر: چاپخان‌هی ر‌ژ‌ه‌ه‌لات.

حامید گ‌ه‌وه‌زی، ۲۰۱۴، ئیدریس مست‌ه‌فا بارزانی و بارزانی ه‌کان باشتر بناسین، ه‌ولیر: چاپخان‌هی ش‌ه‌هاب.

\_\_\_\_\_ ۲۰۱۷، مست‌ه‌فا بارزانی – ب‌ئ‌ئ‌شم‌ه‌رگ‌ه‌ و س‌ه‌ر‌ۆک، ه‌ولیر: چاپخان‌هی ر‌ژ‌ه‌ه‌لات. حوس‌ئ‌ن محمد عزیز، ۲۰۱۹، گ‌ه‌ل‌ا وریوه‌کانی دره‌ختی ته‌م‌نم، یاد و بیره‌وه‌ری ۱۹۷۱-۱۹۸۱، برگی دووهم، چاپی دووهم، سل‌ئێمانی: ب‌ئ‌شوێنی.

دی‌ق‌ئید ماکداو‌ل، ۲۰۰۵، م‌خ‌ژ‌وو‌ی ه‌لوچ‌ه‌رخ‌ی کورد، وهرگیان ئ‌ه‌بویکر خ‌ۆشناو، ب ۱، ه‌ول‌ئێر: چاپخان‌هی وه‌ز‌راتی په‌روه‌رده.

\_\_\_\_\_ ۲۰۱۹، میژ‌وو‌ی ه‌لوچ‌ه‌رخ‌ی کورد، وهرگ‌ئێرانی ئ‌ه‌بویکر خ‌ۆشناو، چاپی س‌ئ‌ی ه‌م، ه‌ول‌ئێر: ناوه‌ندی ئاو‌ئ‌ر ب‌ۆ چاپ و ب‌ل‌او‌کردن ه‌وه.

ر‌ئ‌ب‌وار ره‌ه‌زان بارزانی، ۲۰۱۶، جین‌ئ‌سایدی باوک‌ه‌کان – جین‌ئ‌سایدی بارزانی ه‌کان، ه‌ول‌ئێر: چاپخان‌هی دارا.

\_\_\_\_\_ ۲۰۲۱، بارزان و بارزانی ه‌کان له‌چ‌ه‌ند ل‌ئ‌ئ‌ک‌ۆل‌ئ‌ین‌ه‌می ه‌کا، ه‌ول‌ئێر: چاپخان‌هی س‌ه‌نگ‌ه‌ر.

سالح ه‌رکی، ۲۰۰۸، به‌ش‌ئ‌ک له‌ به‌یمان نام‌ه‌کان د‌ژی کورد، ه‌ولیر: چاپخان‌هی مناره. سه‌روه‌ر عبدالرحمان، ۲۰۱۱، م‌خ‌ژ‌وو‌ی ی‌ه‌کیتی ن‌یشتمانی کوردستان ۱۹۷۵-۱۹۷۶، به‌رگی ی‌ه‌ک‌ه‌م، چاپی دووهم، ه‌ولیر: چاپخان‌هی ه‌ی‌ئ‌سی.

س‌ه‌لاح رشید، ۲۰۱۷، مام ج‌ه‌لال – دیداری ته‌م‌ن – له‌ ل‌اویتی ه‌وه ب‌ۆ ک‌ۆشکی ک‌ۆماری، ب‌ئ‌ شار: چاپخان‌هی کار‌ۆ.

س‌ه‌لاح رشید، ۲۰۲۲، ش‌ه‌ری ناو‌خ‌ۆی کورد، سل‌ئێمانی: ناوه‌ندی ر‌ۆشن‌بیری ئ‌ه‌دیبان. عدنان کریم، ۲۰۲۱، ۱۹۸۰-۱۹۹۰ ده‌ی کاره‌سات، ۹ س‌ا‌ل ئ‌یختیفا له‌ ع‌ئێراقدا: یاد‌ه‌وه‌ری و ش‌یکاری، تاران: چاپخان‌هی تاران.

عبدالرحمان قاسملو، ۲۰۱۴، کوردستان و کورد، وهرگ‌ئێرانی عبدالله حسن‌زاده، چاپی ه‌ه‌شتم، ه‌ول‌ئێر: چاپخان‌هی ر‌ژ‌ه‌ه‌لات.

فاروق محمد محمدی‌همین، ۲۰۱۴، سیاست‌های نئیران به‌مرمب‌ر به جولان‌هومی رزگاری خوزی کورد  
 ل ه باشوری کوردستان، سل‌ئمانی: چاپخان هی ری نوی.  
 فریدون نوری، ۲۰۰۷، بزافسی بارزانی، ه‌ولیر، ب‌ل‌او‌کراوهی ئاراس.  
 کام‌هران بابان‌زاده، ۲۰۱۳، ری‌کک‌موتن نام‌هی جزایر و ره‌مده‌کانی ل‌مس‌هر ک‌ئش‌می کورد ل ه  
 کوردستانی باشور، سل‌ئمانی: چاپخان هی ک‌همال.  
 کریس ک‌وچ‌ئرا، ۲۰۰۷، کورد ل ه س‌ده‌می نوزده و بیستده، وه‌رگ‌ئیرانی حم‌ه‌کریم‌عارف، چاپی  
 چوارهم، ه‌ولیر: کت‌ئ‌بفرۆشی س‌ئران.  
 \_\_\_\_\_ ۲۰۲۱، بزوتن‌هومی ن‌ه‌ت‌هومی کورد و ویستی س‌ه‌رب‌ه‌خ‌ئری، وه‌رگ‌ئیران ح‌مس‌ن  
 ر‌مستگار، ه‌ولیر: چاپخان هی رۆژه‌ه‌لات.  
 م.س. لازاریف، ۲۰۱۲، میژووی کوردستان، وه‌رگیرانی ه‌وشیار عبدالله س‌ه‌نگاوی، چاپی س‌ئ‌می،  
 ه‌ولیر: چاپخان هی رۆژه‌ه‌لات.  
 نازناز محمد ع‌بدلقادر، ۲۰۰۸، سیاست‌های نئ‌ئیران به‌رام‌ب‌ر بزوتن‌هومی رزگاری خوازی ن‌ه‌ت‌هومی  
 کورد ل ه کوردستانی ع‌ئ‌راق ۱۹۶۱-۱۹۷۵، ه‌ولیر: ب‌ل‌او‌کراوهی ئاراس.  
 نجم س‌ه‌نگاوی، ۲۰۱۷، کوردستان و س‌ه‌رکرده و ر‌اپ‌ه‌رین و ش‌ئ‌رش‌ه‌کانی ل ه، ۱۱۶۹-۱۹۹۵ ز،  
 ه‌ول‌ئ‌ر: چاپخان هی چوارچرا.  
 ن‌ه‌وزاد ع‌بدول‌ئا ه‌ئ‌توتی، ۲۰۰۹، د‌ئ‌زی کورد ل ه ع‌ئ‌راقدا و میکانیزم‌ه‌کانی چاره‌س‌ه‌رکردنی- د‌وای  
 ۲۰۰۳، ده‌وک: چاپخان هی خانی.  
 ن‌ه‌وشیروان مست‌ه‌فا‌ئ‌همین، ۱۹۹۲، ل ه ک‌ه‌ناری دانوب‌ه‌وه ب‌و خ‌ری‌ئا ن‌اوزه‌نگ، دیوی ناوه‌ومی  
 روداو‌ه‌کانی کوردستانی ع‌ئ‌راق ۱۹۷۵-۱۹۷۸، ب‌ئ‌شار: ب‌ئ‌ شوئنی چاپ.  
 \_\_\_\_\_ ۱۹۹۷، ب‌ه‌نج‌ه‌کان‌ی‌ه‌کتر ده‌شک‌ئ‌نن، دیوی ناوه‌ومی روداو‌ه‌کانی  
 کوردستانی ع‌ئ‌راق ۱۹۷۹-۱۹۸۳، سلیمان: ب‌ئ‌ شوئنی چاپ.  
 وریا رحمانی، ۲۰۱۳، ش‌ئ‌رش‌ی‌ه‌یلول ل ه ب‌ه‌ل‌گ‌ه‌نام‌ه‌نه‌ئنی‌ه‌کانی‌ه‌هم‌ریکا‌دا، تاران: ناوه‌ندی  
 رۆشن‌بیری و هون‌ه‌ری‌ه‌ئ‌ند‌ئ‌ش‌ه، چاپخان هی تاران.

#### پایان نامه‌ها:

شیماء محمد صبحی، «التحدی الکردی للعراق، من استقلال ۱۹۳۲ إلى توقيع اتفاقية الجزائر ۱۹۷۵»،  
 مجلة المورخ العربي، ۲۰۱۸، العدد ۲۶، الجزء الثاني، کلیه التربیه، جامعه عین الشمس.

#### لاتین:

Ismael, Tareq, 1982, Y.Iarq and Iran: roots of conflict, Syracuse University Press, Syracuse.N.Y.  
 League of Nations, 1935, official Journal, Volume 16, pp. 139-141.  
 Ministry of Foreign Affairs of Iran, 1969. Some Facts concerning the dispute between Iran and Iraq over the shatt-al Arab.